

بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه تجاری در آموزش عالی ایران

جعفر امیری فرج‌آبادی^۱

محمد ابوالقاسمی^۲

سید سلیمانی^۳

چکیده

در سال‌های اخیر و با توجه به ظهور اندیشه‌های جدید همچون رویکرد نوین مدیریت عمومی، جوامع و اقتصادهای دانشبنیان و جهانی‌شدن؛ مفاهیم کارانی، اثربخشی و پاسخ‌گویی در بخش عمومی، توجه بیشتری را به خود معطوف کرده‌اند. آموزش عالی ایران نیز مستشنا از این تحولات نبوده است و سعی در تغییر رویکرد خود در جهت تجاری-سازی فعالیت‌های دانشگاه و همخوانی بیشتر با تغییرات محیطی داشته است. در این راستا هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه‌تجاری در آموزش عالی ایران بوده است. به‌منظور دستیابی به این هدف رویکرد ترکیبی - متوالی مدنظر قرار گرفت. در مرحله کیفی پژوهش، با مرور اسناد و پژوهش‌های موجود و در ادامه انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختارمند با ۹ نفر از خبرگان آموزش عالی بهصورت هدفمند و تا مرحله اشیاع نظری، شاخص‌های حکمرانی شبه‌تجاری (بازار گرا)، در مدلی شامل چهار بعد: زمینه‌ای، مالی، علمی و سازمانی، شناسایی شدند. در گام بعد، به‌منظور اجرای تحلیل عاملی تأییدی، این شاخص‌ها، در اختیار مشارکت‌کنندگان بخش کمی پژوهش قرار گرفت. شاخص‌های نکوئی برآش نشان از تأیید مدل پژوهش داشت و مقایسه میانگین نمونه و میانگین مفروض با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای، حاکی از عدم همگرایی حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران با رویکرد شبه‌تجاری مصرح در اسناد بالادستی آموزش عالی ایران داشت.

واژگان کلیدی: آموزش عالی ایران، تجاری‌سازی دانشگاه، شاخص‌های حکمرانی دانشگاهی، حکمرانی دانشگاهی

شبه‌تجاری

۱-دانش‌آموخته‌ی دکتری آموزش عالی، گرایش برنامه‌ریزی توسعه، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسئول: jamirifarahabadi@yahoo.com

۲-دانشیار گروه رهبری و توسعه آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی: m-abolghasemi@sbu.ac.ir

۳- دانش‌آموخته‌ی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی: s_soleymani63@yahoo.com

مقدمه

امروزه آموزش عالی یکی از اصلی‌ترین ارکان توسعه پایدار و همگون کشورها محسوب می‌شود. از این‌رو، هر تصمیم و سیاستی که بر نحوه فعالیت‌ها و پیامدهای دانشگاه تأثیرگذار باشد، اهمیتی فرازینده می‌یابد. دانشگاه‌ها نقشی استراتژیک، در خلق، انتشار و کاربرد دانش بر عهده‌دارند (موک^۱، ۴۲۳: ۲۰۱۰) و منافع شخصی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها، کاملاً پذیرفته شده است (Nisar^۲، ۲۰۱۴: ۱). توصیف دانشگاه، به عنوان نوع خاصی از سازمان‌ها، پیچیده و دشوار است (Bradshaw و Freddette^۳، ۲۰۰۹: ۱۲۳)، همچنان که میتزربرگ^۴ در توصیف پیچیدگی دانشگاه‌ها، مفهوم بروکراسی حرفه‌ای را بیان می‌نماید که هم هنگام در بستری از ساختارهای سازمانی قوی و درجه بالایی از استقلال فعالیت می‌کنند (Donina^۵ و DiGrahan، ۲۰۱۵: ۳). این پیچیدگی به مباحثی همچون حکمرانی دانشگاهی که مستقیماً در برگیرنده فعالیت‌ها و سیاست‌های دانشگاه می‌باشد، بازمی‌گردد (Bradshaw و Freddette، ۲۰۰۹: ۱۲۳).

با وجود اهمیت فرازینده حکمرانی دانشگاهی و توجه ویژه پژوهش‌های خارجی در مورد تحولات این مهم، هنوز پژوهشی جامع در راستای شناسایی شاخص‌های حکمرانی شبه‌تجاری (بازار گرا) در نظام آموزش عالی ایران و بررسی همگرایی یا واگرایی رویکرد کنونی حکمرانی دانشگاهی با ظهور روند تجاری‌سازی در نظام آموزش عالی ایران، صورت نپذیرفته است. این در حالی است که سیاست‌های آموزش عالی ایران در سال‌های اخیر، در مجموع از منطق موجه و پایداری تبعیت نکرده‌اند و فاقد خصیصه‌های بایسته‌ای بوده‌اند که معمولاً از یک نظام سیاستی انتظار می‌رود؛ مانند سنت نظری قابل دفاع، نیکویی برآش، سازگاری خلاق با تحولات محیط جهانی و بین‌المللی، ظرفیت پیش‌بینی رفتار کنیگران، پیوستگی، یکپارچگی، قابلیت اجرایی، کارآمدی، اثربخشی عناصر اخلاقی، توانایی حل رضایت‌بخش تعارض‌ها، تولید توافق و کیفیت و تأثیر مطلوب اجتماعی. بنا بر پاره‌ای از مطالعات و مستندات و شواهد، بخش بزرگی از مسائل دانشگاهی در ایران، به یک‌جهت از کاستی‌ها و ناراستی‌های سیاسی کلان نشات گرفته است (فراستخواه، ۱۳۹۲: ۳-۱). از سوی دیگر، مباحثی همچون تضمیم‌سازی، سیاست پژوهی^۶ و سیاست‌گذاری ذیل رویکرد حکمرانی دانشگاهی قرار می‌گیرند (امیری و DiGrahan، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر، نوع حکمرانی دانشگاه و جهت‌گیری آن، سیاست‌های مصوب آموزش عالی را تعیین و توجیه می‌نماید. می‌توان گفت، کثر کارکردی

¹. Mok². Nisar³. Bradshaw & Fredette⁴. Mintzberg⁵. Donina et al⁶. Policy Research

سیاست‌گذاری در نظام آموزش عالی ایران، مستقیماً مرتبط به مسئله حکمرانی دانشگاهی است؛ بنابراین واکاوی مسئله حکمرانی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران، از اهمیت و اولویت بالایی برخوردار است. پر واضح است که هرگونه تغییر و تعدیلی در کنش‌های دانشگاه به‌سوی گزینش کنش‌های شبه تجاری و بازارگرایانه (مطابق اسناد بالادستی)، مستلزم همنوایی و هم راستایی رویکرد حکمرانی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

حکمرانی دانشگاهی مفهومی مناقشه‌آمیز است (کارنگی و تاک^۱، ۲۰۱۰: ۴۳۸) و به طور روزافزون بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود (دیلیستی^۲، ۲۰۱۰: ۱۸۶). حکمرانی دانشگاهی به معنای روش‌ها و فرایندهای قانونی است که دانشگاه‌ها امورات خود را هدایت می‌کنند. به بیان دیگر، حکمرانی دانشگاهی به عنوان رفتاری مبتنی بر قدرت و اختیار در تخصیص و مدیریت منابع است که شامل تصویب سیاست‌ها، تصمیم‌گیری، کنترل و هدایت سازمان، به‌منظور افزایش اثربخشی، می‌باشد (کوئن^۳، ۲۰۱۳: ۸۲۹).

این مفهوم طی دهه‌های اخیر چار تحولات اساسی شده است (کاپانو^۴، ۲۰۱۱: ۱۶۲۲). خاستگاه تحولات مذکور، به پویایی‌ها و چالش‌های فراروی آموزش عالی و دانشگاه بازمی‌گردد. پژوهش‌گران و اندیشمندان مختلف چالش‌های چندی را در حوزه آموزش عالی مدنظر قرار داده‌اند که بر نحوه حکمرانی و مدیریت دانشگاه‌ها تأثیرات عمیقی بر جای گذاشته است و در عموم موارد موجب تحرک حکمرانی دانشگاه‌ها به‌گزینش رویکردهای بازار گرا و شبه‌تجاری شده است. مواردی همچون: ظهور جوامع و اقتصادهای دانش‌بنیان^۵ (سم و سیج^۶، ۲۰۱۴: ۸ بروکر^۷ و دیگران، ۲۰۱۵: ۴، رولندر^۸: ۲۰۱۳، نگ^۹: ۲۰۱۲، دیگو^{۱۰}: ۲۰۱۴)، رویکرد نوین مدیریت عمومی^{۱۱}

^۱. Carnegie & Tuck

^۲. Delanty

^۳. Quyên

^۴. Capano

^۵. knowledge societies & Economies

^۶. Sam & Sijde

^۷. Broucker

^۸. Rowlands

^۹. Nag

^{۱۰}. Diogo

^{۱۱}. New Public Management

(سانتیاگو^۱ و دیگران، ۱۴۷۱: ۲۰۱۵)، موك، ۲۰۱۰: ۴۲۲، کریستینسن^۲، ۲۰۱۰: ۵۰۳)، تودهای شدن آموزش عالی (لو و تانگ^۳، ۲۰۱۷)، افزایش مقیاس و محدوده پژوهش‌های دانشگاهی (جیونا و ماسیو، ۹۴: ۲۰۰۹)، ارتقای پاسخ‌گویی اجتماعی، افزایش شفافیت، کارابی، تجاری‌سازی^۴ و کاربردی نمودن دانش دانشگاهی (برادشاو و فریدت، ۲۰۰۹: ۱۲۳، بلیکلی و دیگران، ۲۰۱۳: ۱)، مسائل بودجه‌ای و تأمین مالی دانشگاه‌ها، رقابت‌های ناشی از بین‌المللی و جهانی شدن دانشگاه‌ها، پیشرفت‌های تکنولوژیکی (اختر و کلثوم^۵، ۸۲: ۲۰۱۲، اندرز، ۳۶۱: ۲۰۰۴، یانوزawa و شیمی^۶، ۲۰۰۹: ۲۰۱۵)، خصوصی‌سازی، تمرکزدایی و مقررات زدایی آموزش عالی (دی‌بوئر و دیگران^۷، ۲۰۰۷: ۲۷، موك، ۲۰۱۰: ۳۵)، بررسی و کنترل بیشتر نظام‌های دانشگاهی (کریستینسن، ۲۰۱۰: ۶۶۵، داینز، ۲۰۱۱)، افزایش تقاضا برای تناسب و ارتباط بیشتر صلاحیت‌ها و مدارک دانشگاهی با نیازها و خواسته‌های بازار کار (داینز، ۹۸۹: ۲۰۱۳) و بسیاری چالش‌های دیگر از این نوع که موجب ایجاد تغییرات بنیادی در نحوه حکمرانی دانشگاه‌ها و تغییر از حالت‌های سنتی به مدل‌های جایگزین حکمرانی دانشگاهی شده است.

در سال‌های اخیر رویکردهای مختلفی از حکمرانی دانشگاهی به لحاظ جهت‌گیری غالب در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، معروفی شده است. آگاسیستی و کاتالانو^۸، ۲۰۰۶، مدل‌های بازاری^۹ و مرکزی^{۱۰}؛ سم و سیچ، ۲۰۱۴، مدل‌های هومبولتی^{۱۱}، ناپلئونی^{۱۲}، آنگلوساکسونی^{۱۳} (اکسبریجی^{۱۴}) و آنگلوامریکن^{۱۵}؛ آپکاریان و دیگران^{۱۶}، ۲۰۱۴،

¹. Santiago². Christensen³. Lo & Tang⁴. Commercialization⁵. Bleiklie⁶. Akhtar & Kalsoom⁷. Yonezawa & Shimmi⁸. DeBoer⁹. Agasisti & Catalano¹⁰. Market Model¹¹. Centralistic Model¹². Humboldtian Model¹³. Napoleonic Model¹⁴. Anglo-Saxon Model¹⁵. Oxbridge Model¹⁶. Angli-American Model¹⁷. Apkarian et al

مدل حکمرانی اشتراکی^۱، اختر و کلثوم، ۲۰۱۲، مدل‌های حکمرانی کنترلی^۲ و نظارتی^۳، بیلیکلی و دیگران، ۲۰۱۳، مدل‌های حکمرانی نخبگان^۴، مردم‌سالارانه^۵ عمومی^۶ و ذی‌نفعان^۷؛ کاپانو^۸، ۲۰۱۱، مدل‌های حکمرانی سلسله مراتبی^۹، رویه‌ای^{۱۰}، هدایت و راهبری دولت^{۱۱}، خود حکمرانی^{۱۲}؛ کارنگی و تاک، ۲۰۱۰، مدل‌های حکمرانی آکادمیک، کسب‌وکاری، شرکتی و ترکیبی^{۱۳}؛ دابیتز و نیل^{۱۴}، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ و فرلی و دیگران^{۱۵}، ۲۰۰۸، مدل‌های حکمرانی هومبولتی (خود حکمرانی)، بازار محور و دولتی؛ شاتوک^{۱۶}، ۲۰۰۲، مدل‌های حکمرانی شرکتی، علمی و مشارکتی؛ ترکمن^{۱۷}، ۲۰۰۸، مدل‌های حکمرانی دانشکده‌ای^{۱۸}، شرکتی، هیئت‌امنایی^{۱۹}، ذی‌نفعان و مشارکتی^{۲۰} را مدنظر قرار داده اند.

واکاوی پیشینه پژوهش گویای توجه جدی به مسئله حکمرانی دانشگاهی در نزد محققان خارجی می‌باشد. دابیتز (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان بررسی حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی لهستان و رومانی، با استفاده از روش کیفی: مطالعه موردی، به واکاوی تغییرات حکمرانی دانشگاهی در دو کشور مذکور در دوره پسا کمونیست پرداخته است. نتایج پژوهش مذکور نشان از آن دارد که در هر دو کشور لهستان و رومانی، مکانیزم‌ها و حکمرانی‌های جدید

¹. Shared Governance

². State Control

³. State Supervising

⁴. The university as a Community of Scholars

⁵. The University as Representative Democracy

⁶. The University as a Public Agency

⁷. The University as an Enterprise of Stakeholders

⁸. Capano

⁹. Hierarchical Mode

¹⁰. Procedural Mode

¹¹. Steering at the Distance mode

¹². Self-Governance mode

¹³. Integrated Model

¹⁴. Dobbins & Knill

¹⁵. Ferlie et al

¹⁶. Shattock

¹⁷. Trakman

¹⁸. Faculty Governance

¹⁹. Trustee Governance

²⁰. Amalgam models of Governance

رقابتی و بازار گر، به منظور تقویت خروجی‌های دانشگاه و تضمین پیوندی‌های سازنده‌تر با جوامع تجاری، مورد تأکید دولت‌ها و دانشگاه قرارگرفته است.

دابینز (۲۰۱۷) در پژوهشی دیگر با عنوان اروپایی سازی دانشگاه؛ تجزیه و تحلیل اصلاحات حکمرانی آموزش عالی در فرانسه و ایتالیا، با استفاده از شاخص‌های تجربی، به مقایسه مسیر تحولات حکمرانی آموزش عالی این کشورها، به عنوان کشورهای پیشرو در اروپایی سازی آموزش عالی (به واسطه بیانیه‌های سورین و بلونیا^۱) پرداخته است. نتایج پژوهش، نشان‌دهنده موفقیت بیشتر آموزش عالی فرانسه در تغییر حکمرانی مرکزی و دولتی دانشگاه‌ها، به رویکردهای حکمرانی بازار گرا و پژوش محور بوده است. در مقابل آموزش عالی ایتالیا، در بسیاری جنبه‌ها به حکمرانی خودگردانی دانشگاهی^۲ نزدیک شده است.

موک و هان (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان سیاست و حکمرانی آموزش عالی در چین: مدیریت تمکن‌زدایی و بین‌المللی شدن، با هدف بررسی تأثیرگذاری اندیشه‌های نولیبرال بر تحولات حکمرانی آموزش عالی، در دانشگاه‌های بین‌المللی کشور چین، با استفاده از روش کیفی در دو گام تحلیل اسناد و انجام مصاحبه‌های نیمه ساختارمند، با هدف بررسی تأثیرگذاری اندیشه‌های نولیبرال بر تحولات حکمرانی آموزش عالی، به مطالعه دانشگاه‌های بین‌المللی کشور چین پرداخته است. نتایج پژوهش مذکور، نشان از تأثیر فزاینده نظریات بازار گرا بر آموزش عالی بین‌المللی کشور چین دارد. همچنین یافته‌های پژوهش چگونگی تأثیر قوانین و مقررات بازار در شکل دهنی آموزش عالی بین‌المللی و تحولات حکمرانی دانشگاهی را نیز نشان می‌دهد.

دانو (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان اصلی ترین چالش‌ها در اصلاحات حکمرانی، تضمین کیفیت و تأمین مالی آموزش عالی ویتنام، با استفاده از رویکرد کیفی و انجام مصاحبه‌های عمیق با مدیران ارشد و میانی آموزش عالی، به بررسی چالش‌های مذکور در آموزش عالی ویتنام پرداخته است. نتایج پژوهش، دلالت بر حکمرانی ضعیف آموزش عالی، فقدان تضمین کیفیت واقعی و کمبود منابع مالی و بودجه‌ای آموزش عالی ویتنام داشته است.

با توجه به مطالعات صورت گرفته و جمع‌بندی آن‌ها، می‌توان به چند نکته، به شرح زیر اشاره نمود:

- ✓ علی‌رغم عناوین مختلف موجود در مورد الگوهای حکمرانی دانشگاهی، می‌توان با در نظر گرفتن مفاهیم، شاخص‌ها و خصوصیات مورد تأکید الگوها تا حدود زیادی آن‌ها را در الگوی سه‌گانه کلارک^۳ با عنوانی حکمرانی دولتی، حکمرانی بازار محور و الیگارشی علمی (خود حکمرانی اعضای علمی دانشگاه) خلاصه نمود

¹. Sorbonne & Bologna Declaration

². Academic Self-Regulation

³. Clarke Triangle

(دابینز، ۲۰۱۱: ۶۶۶-۶۶۷)، بنابراین در پژوهش حاضر، تقسیم‌بندی کلارک از حکمرانی دانشگاهی، به جهت روش‌تر بودن ملاک تقسیم‌بندی و جامعیت بیشتر، مورد توجه بوده است.

✓ نمی‌توان برای آموزش عالی همه کشورها، یک الگوی واحد را مناسب دانست، بلکه رویکرد گرینش نوع خاصی از حکمرانی تا حدود زیادی وابسته به بسترها مختلف فرهنگی، تاریخی و اقتصادی کشورهاست (نات و پاین^۱، ۲۰۰۴) و اینکه دانشگاه خواهان دستیابی به چه جایگاهی است (ترکمن، ۲۰۰۸) توجیه‌کننده نوع حکمرانی دانشگاهی است. در عین حال می‌توان گفت تغییرات حکمرانی دانشگاهی به‌نوعی بازتاب روند تغییرات در سیستم‌های سیاسی - مدیریتی جامعه نیز می‌باشد (کریستینسن، ۲۰۱۰: ۵۰۴) و باید در این بسترها مورد توجه قرار گیرد.

✓ از میان چالش‌های مختلف تأثیرگذار بر روند شکل‌گیری و جهت‌گیری آموزش عالی، می‌توان رویکرد نوین مدیریت عمومی (دیگو، ۲۰۱۴: ۳) را پررنگ تر دانست. از این منظر، کشورهای مختلف ساختارهای حکمرانی دانشگاهی خود را موردبازنگری قرار داده‌اند و هم‌راستا با تحولات جهانی و مباحثی مانند افزایش کارایی، اثربخشی، توان رقابتی، انعطاف‌پذیری، چابکی و پاسخگویی، در جهت رویکردهای حکمرانی بازار گرا، تجاری‌سازی و خصوصی‌سازی دانشگاه، گام برداشته‌اند (رک: لو، ۲۰۱۷، روس، ۲۰۱۷، موک، ۲۰۱۰، سوسانی^۲، ۲۰۱۱، موک، ۲۰۰۵، آستالو و پلتولا^۳، ۲۰۰۶، بروکر، ۲۰۱۵). می‌توان گفت که با توجه به مطالعات و پژوهش‌های اخیر، دولتها در علوم کشورها، دانشگاه‌ها را در جهت گرینش رویکرد شبه‌تجاری فعالیت‌های خود، سوق داده‌اند^۴ و سعی در کاهش تمرکز در امور رهبری، مدیریت و به‌طور کل حکمرانی دانشگاهی داشته-

¹. Knott & Payne

². Susanti

³. Alestalo & Peltola

⁴. لازم به ذکر است که تجارتی‌سازی فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی و ... دانشگاه، نافی رسالت‌ها و کارکردهای اجتماعی و عمومی علم و دانشگاه نمی‌باشد و مطمئناً تأکیدات برنامه‌های توسعه، سند چشم‌انداز و سیاست‌های ابلاغی وزارت علوم در این حوزه، موجب مغفول ماندن این رسالت‌ها نخواهد شد. سوسانی (۲۰۱۰) برخی از آسیب‌های تجارتی‌سازی و بازار گرایی دانشگاه‌ها را مورد مذاقه قرار داده است، مانند تهدید ارزش‌های آکادیک، سوگیری یافته‌های پژوهش‌های علمی در جهت خواست بازار، تضعیف استانداردهای تعالی علمی و غیره. در پژوهش حاضر به فرض حفظ رسالت‌های علم و دانشگاه، سعی شده است امکان‌سنجی تحقق رویکرد حکمرانی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران ارزیابی شود.

اند^۱. پژوهش گران اتخاذ رویکرد حکمرانی بازار محور و شبه تجاری را از منظر بهبود دائم کیفیت نیز مورد توجه قرار داده اند (سوسانتی، ۲۰۱۱: ۲۱۰).

✓ در مواجهه با یافته های پژوهشی مختلف، می توان به ارتباط تنگاتنگ مباحث استقلال دانشگاهی^۲، آزادی علمی^۳ و حکمرانی دانشگاهی پی برد. از این جهت می توان اذعان داشت که هرچند استقلال دانشگاهی را نباید به طور کامل محدود به استقلال مالی دانشگاه ها دانست و امکان ظهرور استقلال دانشگاهی، حتی در مواردی همچون حکمرانی دانشگاهی دولت محور نیز وجود دارد، ولی عموم پژوهش ها بر استقلال مالی که از رهگذر تجاری- سازی فعالیت های دانشگاه اعم از آموزش، پژوهش و خدمات و ارتباط نزدیک با صنعت، بازار کار و به طور کل ذی نفعان بیرونی دانشگاه، امکان تحقق می یابد، صحه می گذارد.

بدیهی است که تجلی حداکثری ظرفیت های تجاری سازی (برخی از فعالیت ها)، در آموزش عالی ایران نیازمند تحول حکمرانی دانشگاهی در جهت گزینش حکمرانی شبه تجاری و بازار گرایانه است در غیر این صورت خواسته هایی از این دست می تواند نوعی دوگانگی و تضاد را در ماهیت کارکردی و ساختاری دانشگاه به وجود آورد. از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی همگرایی نوع حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران با جهت گیری فعالیت های شبه تجاری دانشگاه بوده است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی

بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش های شبه تجاری در آموزش عالی ایران.

اهداف جزئی

شناسایی شاخص های حکمرانی شبه تجاری در نظام آموزش عالی ایران؛

شناسایی وضعیت حکمرانی دانشگاهی شبه تجاری در نظام آموزش عالی ایران بر اساس شاخص های زمینه ای؛

^۱. در ایران طی سال های اخیر و در قالب برنامه های توسعه (برنامه ششم توسعه) به عنوان نمود اصلی تعیین چشم انداز و مأموریت بخش های مختلف کشور، دولت دانشگاه ها را ترغیب به تجاری سازی فعالیت های (پژوهش و نوآوری) خود نموده است. این مهم ممکن نخواهد شد مگر به واسطه تغییر رویکرد دانشگاه ها در ساختارهای حکمرانی و تغییر آنها از حکمرانی دولت محور به حکمرانی های دیگری همچون کارآفرینانه و ...

². University Autonomy

³. Academic Freedom

شناسایی وضعیت حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران بر اساس شاخص‌های مالی؛
شناسایی وضعیت حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران بر اساس شاخص‌های علمی؛
شناسایی وضعیت حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران بر اساس شاخص‌های سازمانی.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف پژوهش، توسعه‌ای و کاربردی به شمار می‌رود. به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش حاضر، رویکرد ترکیبی - متوالی مورد توجه قرار گرفت. با توجه به این‌که تاکنون پژوهشی با محوریت شناسایی شاخص‌های حکمرانی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران، انجام نگرفته بود و از آنجاکه بررسی همگرایی نوع حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران با جهت‌گیری شبه‌تجاری، نیازمند وجود شاخص‌هایی برای ارزیابی این مهم است، بنابراین در مرحله نخست، با مرور پیشینه و ادبیات موجود در زمینه حکمرانی دانشگاهی (و خصوصاً حکمرانی شبه‌تجاری) و سپس انجام مصاحبه‌های هدفمند و نیمه ساختاریافته و تحلیل محتوا کیفی آن‌ها، لیستی از شاخص‌های حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران توسعه یافت. لازم به ذکر است که فرایند مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری^۱ (شکل‌گیری مقولات و تکرار موارد پیشین)، ادامه یافت. در این راستا مصاحبه با ۹ نفر از متخصصین و خبرگان مبحث حکمرانی دانشگاهی که تجارب ارزشمند مدیریتی در سطوح گروه، دانشکده، دانشگاه و وزارت‌تخانه (حداقل ۵ سال) داشتند، انجام شد (جدول ۱). در ادامه به‌منظور انسجام مفهومی بیشتر شاخص‌های شناسایی شده، با در نظر گیری مطالعات پیشین و آرای مشارکت‌کنندگان و خبرگان نظری پژوهش، در رویکردی قیاسی، در چهار بعد زمینه‌ای، علمی، مالی و سازمانی طبقه‌بندی شدند. با توجه به این‌که پژوهش گر و مشارکت‌کنندگان، اطلاعات مناسبی در مورد ابعاد و شاخص‌های حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری داشتند، برای تقلیل متغیرها به عامل‌ها، نیازی به انجام تحلیل عاملی اکتشافی^۲ نبود. در تحلیل محتوا مصاحبه‌های پژوهش، به‌منظور افزایش روابی^۳، مواردی همچون تطبیق توسط اعضاء^۴ و بررسی همکار^۵ (کرسول و میلر^۶، ۲۰۰۰) مدنظر قرار گرفت. پایابی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۷ ۰/۸۲۱ گزارش شد. در مرحله دوم (کمی)، ابزار توسعه‌یافته در مرحله

¹. Theoretical Saturation

². Exploratory Factor Analysis

³. Validity

⁴. Member Checking

⁵. Peer debriefing

⁶. Creswell & Miller

قبل در جامعه پژوهش که شامل مدیران سطوح مختلف دانشگاهی (مدیران گروه، دانشکده و حوزه معاونت و ریاست دانشگاه‌های دولتی منتخب شهر تهران) بودند، توزیع شد. تعداد اعضای جامعه با توجه به مراجعات حضوری و اطلاعات گزارش شده در سایت ۶۵۴ نفر گزارش شد (جدول ۲). با توجه به فرمول کوکران نمونه پژوهش ۲۴۲ نفر محاسبه شد که بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای در اختیار مشارکت‌کنندگان بخش کمی پژوهش، قرار گرفت. به‌منظور تحلیل داده‌های حاصل نیز به تناسب از آزمون‌های ناپارامتریک (آزمون دوچمله‌ای/نسبت^۱، کولموگروف-اسمیرنوف تک نمونه‌ای^۲، آزمون فریدمن^۳) و تحلیل عاملی تأییدی^۴ مرتبه اول و دوم و آزمون T تک نمونه‌ای^۵، استفاده شد.

جدول ۱- مشارکت‌کنندگان بخش کیفی پژوهش

ردیف	مشخصات	مدت مصاحبه
۱	وزیر اسبق علوم، تحقیقات و فناوری	۵۵ دقیقه
۲	معاون پژوهشی اسبق وزیر علوم، تحقیقات و فناوری	۵۷ دقیقه
۳	استاد مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی	۶۵ دقیقه
۴	استاد مدیریت دولتی دانشگاه تهران	۶۰ دقیقه
۵	استاد مدیریت دولتی دانشگاه تربیت مدرس	۷۰ دقیقه
۶	استادیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور	۸۰ دقیقه
۷	دانشیار مدیریت آموزشی دانشگاه تهران	۷۵ دقیقه
۸	دانشیار سیاست علم و فناوری دانشگاه صنعتی شریف	۶۵ دقیقه
۹	دانشیار گروه مکانیک دانشگاه علم و صنعت و معاون آموزشی سابق دانشگاه	۷۰ دقیقه

¹. Binomial Test². One Sample K-S³. Friedman Test⁴. Confirmatory Factor Analysis⁵. One Sample T-Test

جدول ۲- توزیع فراوانی جامعه و نمونه آماری به تفکیک دانشگاه

نمونه آماری		جامعه آماری					دانشگاه	ردیف
درصد	فرافانی	جمع	مدیران گروه	رئیس و معاونین دانشگاه	هیئت رئیسه دانشگاه			
۲۶	۶۲	۱۶۸	۹۱	۶۹	۸	تهران	۱	
۲۳	۵۶	۱۵۱	۷۸	۶۶	۷	شهید بهشتی	۲	
۱۷	۴۱	۱۱۱	۵۳	۵۱	۷	تربیت مدرس	۳	
۱۹	۴۶	۱۲۴	۵۴	۶۲	۸	صنعتی شریف	۵	
۱۵	۳۷	۱۰۰	۴۵	۴۶	۹	صنعتی امیرکبیر	۶	
۱۰۰	۲۴۲	۶۵۴	۳۲۱	۲۹۴	۳۹	جمع کل		

یافته‌های پژوهش

بهمنظور دستیابی به هدف اصلی پژوهش که بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه تجاری در آموزش عالی ایران بوده است، در مرحله نخست، با مرور مطالعات پیشین در حوزه حکمرانی دانشگاهی، مواردی را که می‌توانست به عنوان شاخص در ارزیابی وضعیت حکمرانی دانشگاهی شبه تجاری مورد استفاده قرار گیرد، شناسایی شد. در مرحله دوم، بهمنظور در نظرگیری بسترها خاص نظام آموزش عالی ایران (به لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی)، مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با خبرگان و متخصصان آموزش عالی انجام گرفت. لیست حاصل از مرور ادبیات و پیشینه و یافته‌های مصاحبه‌ها، به صورت ترکیبی در جدول ۳ ارائه شده است. در مرحله بعد، بهمنظور ارزیابی وضعیت کنونی حکمرانی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران (پس از تکمیل لیست شاخص‌ها و تبدیل آن‌ها به

گویه‌های پرسشنامه با طیف پنج درجه‌ای لیکرت^۱) از مشارکت کنندگان پژوهش حاضر، خواسته شد تا در مورد هر یک از شاخص‌ها، وضعیت کنونی حکمرانی دانشگاهی را در نظام آموزش عالی ایران ارزیابی کنند. شاخص‌های مذکور در چهار بعد: زمینه‌ای (۶ مورد)، مالی (۱۲ مورد)، علمی (۱۷ مورد) و سازمانی (۱۵ مورد) تعریف شد. در مرحله کمی پژوهش به منظور انجام تحلیل عاملی و بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه‌تجاری در آموزش عالی ایران، سنجه در اختیار نمونه‌های پژوهش قرار گرفت. به جهت بررسی مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی، ابتدا آزمون KMO و کرویت بارتلت انجام شد (جدول ۴) که مقادیر محاسبه شده نشان از تاسب داده‌ها داشت. با انجام تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم و با توجه به مقادیر گزارش شده شاخص‌های نکوئی برآش، مدل نظری سنجه پژوهش حاضر به صورت تجربی نیز تأیید شد (جدوال ۵ و ۶). در ادامه به منظور انجام آزمون T تک نمونه‌ای و اطمینان از نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف استفاده شد که نتایج حاصل میین نرمال بودن داده‌ها داشت. با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه‌تجاری در آموزش عالی ایران بود، میانگین نمونه با میانگین مفروض، با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای مقایسه شد که نتایج حاصل نشان از معناداری تفاوت میانگین نمونه با میانگین مفروض داشت. جهت این تفاوت نشان از کمتر بودن میانگین جامعه داشته است و می‌توان گفت که گرایش حکمرانی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران به سمت حکمرانی شبه‌تجاری کمتر از مقدار میانگین مفروض بوده است (جدول ۷). به منظور رتبه‌بندی ابعاد از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج در جدول ۸ ارائه شده است. همان‌طور که مشخص است بالاترین میانگین مربوط به بعد سازمانی و کمترین میانگین نیز متعلق به بعد زمینه‌ای بوده است.

جدول ۳- شاخص‌های حکمرانی بازار گرا در آموزش عالی ایران

ابعاد	شماره	شاخص	منبع
۱	۱	میزان رقابتی بودن بخش‌های مختلف کشور	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش
۲	۲	میزان تمايل فرا سистем‌های سیاسی در تمرکزدابی سیاست‌گذاری آموزش عالی	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش

^۱. لازم به ذکر است که پرسشنامه پژوهش حاضر در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت و بر مبنای گرایش به حکمرانی شبه‌تجاری تدوین شد.

بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه تجاری در آموزش عالی ایران/۱۳۷۳

۳		
۴		
۵		
۶		
۷		
۸		
۹		
۱۰		
۱۱		
۱۲		
۱۳		
۱۴		
۱۵		
۱۶		
۱۷		

۷۴/ فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران* سال دهم* شماره چهارم* زمستان ۱۳۹۷

ردیف	عنوان مقاله	سازمان
۱۸	مدیریت مالی و پاسخگویی تصمیم‌گیری درباره سیاست‌های ثبت‌نام دانشجویان و اختیار در گزینش دانشجویان (دولت- استقلال دانشگاهی)	
۱۹	میزان و تعداد ثبت‌نام دانشجویان	
۲۰	تعیین و پذیرش سهمیه‌های گروه‌های خاص	
۲۱	تعریف دوره‌های تحصیلی جدید و ملغأ نمودن دوره‌های قبل	
۲۲	طراحی برنامه درسی و گزینش منابع درسی (دولت- مدیریت دانشگاه و ذی‌نفعان دانشگاهی)	
۲۳	تعیین استانداردهای آزمون و فارغ‌التحصیلی پژوهش	
۲۴	اولویت‌های پژوهشی	
۲۵	تعیین چشم‌انداز و اهداف برای سیستم‌های آموزش عالی	
۲۶	پژوهش در زمینه سیاست‌ها و اهداف سیستم‌های آموزش عالی	
۲۷	ارزیابی کیفیت تدریس	
۲۸	جهت‌گیری تدریس و پژوهش	
۲۹	مأموریت اولیه دانشگاه (رضایت‌بخشی در زمینه اهداف اجتماعی و اقتصادی دولت- ارائه خدمات به مصرف- کنندگان دانشگاهی و رضایت‌بخشی به خواسته‌های بازار)	
۳۰	تنظیم برنامه‌های درسی	
۳۱	اختیار در تصویب سیاست‌ها و تصمیمات مربوط به دانشجویان	
۳۲	اختیار در تعیین سیاست‌های بهبود بازار کار	
۳۳	میزان توجه به نیازهای ذی‌نفعان اعم از دانشجویان، ترکمن، ۲۰۰۸، ۷۲؛ بیکلی، ۱۳: ۲۰۱۳، دی-	

بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه تجاری در آموزش عالی ایران/۱۴۰۰/۷۵

۳۵: ۲۰۰۷	بوقیر و دیگران، پالاس و ویلدن، فیلدن، آقیون، برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش	کارکنان، دولت، اعضای هیئت‌علمی و ... میزان توجه به ارتقا رتبه دانشگاهی انتخابی یا انتخابی بودن مدیران دانشگاه و بخش‌ها	۳۴
۳۶: ۲۰۰۷	آقیون، ۱۰: ۲۰۱۰، دی بوقیر و دیگران، فیلدن، پژوهش	استخدام (انتصاب) یا اخراج اعضای هیئت‌علمی و استاید دانشگاهی و تعین مشخصات اعضای هیئت‌علمی	۳۵
۳۷: ۲۰۰۷	میزان همگونی تصمیمات، قوانین و رویه‌های موجود آموزش عالی در حمایت از حکمرانی دانشگاهی شبه تجاری	میزان همگونی تصمیمات، قوانین و رویه‌های موجود آموزش عالی در حمایت از حکمرانی دانشگاهی شبه تجاری	۳۶
۳۸: ۲۰۱۲	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش	میزان توجه به مهندسی مجدد ساختارهای سازمانی دانشگاه و آموزش عالی بر اساس محرك‌های درونی و بیرونی	۳۷
۳۹: ۲۰۱۲	اختنر و کلثوم، فیلدن، ۵۵: ۲۰۰۸	توافق در زمینه گستره و شکل سیستم‌های آموزش عالی	۳۸
۴۰: ۲۰۱۲	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش	نظرارت بر عملکرد دانشگاهی	۳۹
۴۱: ۲۰۱۲	فیلدن، ۵۵: ۲۰۰۸	بلغ سازمانی دست‌اندرکاران مختلف آموزش عالی	۴۰
۴۲: ۲۰۱۲	فیلدن، ۵۵: ۲۰۰۸	گردآوری داده‌های آماری از بخش‌های مختلف آموزش عالی	۴۱
۴۳: ۲۰۱۱	دایینز و دیگران، ۶۷۴: ۲۰۱۱	وضع مقررات دانشگاهی (دولت- مدیریت دانشگاه- اعضای هیئت‌علمی)	۴۲
۴۴: ۲۰۱۳	دایینز و نیل، ۴۰۸: ۲۰۰۹، پالاس و ویلدن، ۳: ۲۰۱۳	استانداردها و الگوهای کنترلی و ارزیابی کیفیت (وزارت‌خانه‌ای - دولتی یا شبهدولتی - خودکنترلی علمی)	۴۳
۴۵: ۲۰۱۱	دایینز و دیگران، ۶۷۸: ۲۰۱۱	پیشینه حرفة‌ای مدیران (مدیریت عمومی - مدیریت (management) - متخصصین و عالمان)	۴۴
۴۶: ۲۰۰۸	بلیکلی، ۶-۹: ۲۰۱۳، ترکمن، ۶۴:	میزان (و مبانی قانونی) استقلال دانشگاهی و آزادی علمی	۴۵
۴۷: ۲۰۱۳	بلیکلی، ۱۳: ۲۰۱۳	میزان تأکید بر ذی‌نفعان دانشگاهی در فرایند سیاست- گذاری	۴۶

۷۶/ فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران* سال دهم* شماره چهارم* زمستان ۱۳۹۷

میزان کنترل مدیریت بر فرایند سیاست‌گذاری دانشگاهی بلیکلی، ۱۳: ۲۰۱۳	۴۸	
میزان نقش دولت در بهبود کیفیت و کاهش دادن هزینه- ها فرلی، ۲۰۰۸: ۳۲۷-۳۲۸	۴۹	
میزان اعطای قدرت به اعضای هیئت‌علمی در زمینه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ترکمن، ۶۶: ۲۰۰۸	۵۰	

جدول ۴- آزمون کفايت و مجاز بودن تحليل عاملی

Bartlett's Sphericity Test		KMO
سطح معناداري	کاي دو محاسبه شده	
۰/۰۰۰	843/612	۰/۷۷۱

جدول ۵- مقادير شاخص‌های نيكوئي برآشن حاصل تحليل عاملی مرتبه اول

شاخص‌های نيكوئي برآشن برای بعد زمينه‌اي							
IFI	NNFI	NFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	شاخص برآzendگي
0 - 1	>0.9	>0.9	>0.9	>0.9	<0.1	<2	مقادير قابل قبول
0.9۴	0.9۱	0.9۶	0.9۲	0.9۴	0.0۶۲	۱,۱۱۷	مقادير محاسبه شده
شاخص‌های نيكوئي برآشن برای بعد مالي							
0.9۲	0.9۵	0.9۶	0.9۰	0.9۱	0.0۷۶	۱,۳۰۶	مقادير محاسبه شده
شاخص‌های نيكوئي برآشن برای بعد علمي							
0.9۷	0.9۳	0.9۵	0.9۱	0.9۳	0.0۲۹	۱,۵۲۱	مقادير محاسبه شده
شاخص‌های نيكوئي برآشن برای بعد سازمانی							
0.9۵	0.9۱	0.9۲	0.9۲	0.9۳	0.0۴۵	۱,۶۷۳	مقادير محاسبه شده

جدول ۶- مقادیر شاخص‌های نیکوئی برآش در تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

شاخص برآزندگی	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	NNFI	IFI
مقادیر قابل قبول	<2	<0.1	>0.9	>0.9	>0.9	>0.9	0 - 1
مقادیر محاسبه شده	۱,۶۰۶	۰.۰۵۳	۰.۹۷	۰.۹۴	۰.۹۶	۰.۹۳	۰.۹۳

جدول ۷- نتایج آزمون T تک نمونه‌ای

متغیر	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
حکمرانی دانشگاهی بازار گرا	۱۸/۹۶۰	۲۴۱	۰/۰۰۰	-۱/۱۲۵

جدول ۸- نتایج آزمون فریدمن

متغیر	میانگین رتبه‌ها
بعد سازمانی	۲/۲۱۵
بعد علمی	۲/۰۳۸
بعد مالی	۱/۸۸۲
بعد زمینه‌ای	۱/۸۶۵

نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه تجاری در آموزش عالی ایران بود. به‌منظور دستیابی به این هدف شناسایی شاخص‌های حکمرانی شبه تجاری (بازار گرا) در آموزش عالی ایران، به‌عنوان یکی از اهداف جزئی پژوهش، مورد توجه قرار گرفت. به این منظور با استفاده از روش کیفی مرور استادی و کتابخانه‌ای که مشتمل بر مطالعه‌دها، سند، کتاب و گزارش بود و همچنین انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با ۹ نفر از خبرگان و متخصصین موضوع، ۵۰ شاخص شناسایی شد. در راستای انسجام مفهومی بیشتر، طبقه‌بندی شاخص‌ها با استفاده از نظرات مشارکت‌کنندگان (و متعاقباً بررسی نظرات با استفاده از آزمون دوچمله‌ای) و مطالعه ادبیات پژوهش، انجام پذیرفت. حاصل این مرحله از پژوهش، طبقه‌بندی ۵۰ شاخص، در قالب چهار بعد زمینه‌ای، مالی، علمی و سازمانی بود. شاخص‌های مذکور در قالب سنجه‌ای ۵۰ گویه‌ای در اختیار مشارکت‌کنندگان بخش

کمی پژوهش قرار گرفت. به منظور تأیید تجربی مدل نظری پژوهش، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم اجرا شد که نتایج حاصل با توجه به شاخص‌های نکوئی برازش، نشان از تأیید مدل پژوهش داشت.

در ادامه پس از اطمینان از نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف، مقایسه میانگین به دست آمده پژوهش با مقدار مفروض، با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای صورت پذیرفت. نتایج حاصل نشان از تفاوت معنادار مقدار میانگین‌ها داشت. جهت این اختلاف حاکی از پایین‌تر بودن میانگین نمونه پژوهش حاضر داشت. از آنجاکه گویه‌های سنجه بر مبنای گرایش کنونی حکمرانی آموزش عالی ایران در راستای گزینش رویکرد حکمرانی شبه‌تجاری تدوین شده بودند، تفاوت میانگین حاضر به معنای واگرایی بین نوع حکمرانی دانشگاهی و فعالیت‌های بازار محورانه و شبه‌تجاری دانشگاه است.

می‌توان اذعان نمود که در عین تأکیدات نهادهای بخشی و فرا بخشی آموزش عالی ایران در قالب اسناد بالادستی (برنامه‌های توسعه، سند چشم‌انداز، سیاست‌ها و برنامه‌های وزارت علوم و غیره) که خواهان تغییب آموزش عالی ایران در جهت گزینش کارکردهای بازارگرایانه و شبه‌تجاری فعالیت‌های دانشگاهی بوده‌اند، هنوز این همگرایی در بخش حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران وجود ندارد و طبعاً تا این همگرایی بین حکمرانی دانشگاهی و تقاضاهای بازار گرایی و شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران، رنگ واقعیت نگیرد، کارکردهای شبه‌تجاری فعالیت‌های دانشگاه نمی‌تواند مجال تحقق بهینه بیابد و گاه این دوگانگی کارکردی و ساختاری منجر به بروز ابهاماتی در عملکرد دانشگاه می‌گردد که ناشی از تضادهای ماهوی موجود بین برنامه‌ها و توافقنامه‌هاست.

به منظور شناخت بهتر وضعیت ابعاد چهارگانه سنجه پژوهش، از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج این آزمون نشان از پایین‌تر بودن میانگین بعد زمینه‌ای به نسبت سایر ابعاد است. با مراجعه به گویه‌های این بعد، مواردی مانند میزان رقابتی یا انحصاری بودن بخش‌های مختلف کشور؛ وجود زیرساخت‌های تنوع‌بخشی به بودجه‌ها و درآمدهای آموزش عالی؛ میزان تمایل فرا سیستم‌های سیاسی در تمرکزدایی سیاست‌گذاری آموزش عالی و غیره مشاهده می‌شود. آموزش عالی ایران به جهت موقیت در حصول به رویکرد تجاری‌سازی نیازمند توجه بیشتر به رقابتی بودن بخش‌های مختلف فرا بخشی آموزش عالی دارد و مادامی که اهمیت رقابت در بخش‌های مختلف از جمله صنعت، خدمات و غیره در جامعه درک نشود و انحصار در این حوزه‌ها وجود داشته باشد، طبیعتاً تحقق حکمرانی شبه‌تجاری دانشگاه چندان کارآمد، رهگیری نخواهد شد. از سویی دیگر تغییرات وسیع در عرصه محیطی آموزش عالی چه در سطح متغیرهای درونی و چه در سطح متغیرهای بیرونی، چاک بودن ساختارهای آموزش عالی و انعطاف و قدرت سازگار شوندگی آن‌ها را طلب می‌کند که مطمئناً این انعطاف و سازگار شوندگی نمی‌تواند در فضای متمرکز کنونی

آموزش عالی ایران مجال بروز بیابد. در حقیقت یکی از الزامات جدی آموزش عالی ایران در جهت اتخاذ حکمرانی شبه تجاری به منظور همخوانی با خواسته‌های موجود، کاستن از تمرکز موجود و حرکت در جهت استقلال دانشگاهی به واسطه عدم تمرکز است.

از دیگر موارد مهم در این بعد، تنوع‌بخشی به منابع بودجه‌ای دانشگاه در آموزش عالی ایران است که می‌باید به مانند بسیاری از دانشگاه‌های برتر دنیا که وابستگی کمتری به منابع بخش عمومی دارند، امکان دستیابی به منابع دیگر را کسب کنند، منابعی مانند قراردادهای تجاری با بخش‌های مختلف صنعت و تولید، ارائه خدمات به زیرسیستم‌های جامعه، سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون علمی و توسعه‌ای، حمایت از ایده‌های خلاقانه، توسعه پارک‌های علم و فناوری و غیره، ولی در حال حاضر، عموماً بودجه‌های موردنیاز دانشگاه‌های ایران، به واسطه بودجه‌های سالیانه دولتی تأمین می‌گردد که طبیعتاً با توجه به تنگناهای روزافزون در بخش منابع عمومی دولت، کارکردهای دانشگاه گاه با چالش‌های جدی مواجه می‌شود؛ بنابراین یکی دیگر از وجوه حائز اهمیت در تحقیق بهینه حکمرانی شبه تجاری آموزش عالی در ایران، توجه به تنوع‌بخشی به منابع بودجه‌ای دانشگاه است.

میانگین محاسبه شده برای بعد مالی نیز حاکی از این است که تفاوت معناداری بین گرایش به حکمرانی شبه تجاری و تقاضاهای تجاری‌سازی فعالیت‌های دانشگاه وجود دارد. با توجه به نظریات جدیدی مانند رویکرد نوین مدیریت عمومی که تکاپوی دانشگاه‌ها را در مباحثی همچون جهانی‌شدن و بین‌المللی اندیشیدن پدید آورده است و همچنین اثرگذاری این مفاهیم در بافتار و ساختار آموزش عالی کشورهای مختلف و تحریک آن‌ها به همسویی با رویکردهای شبه تجاری - در عین حفظ ارزش‌های پذیرفته شده برای علم و دانشگاه - (رک: کاپانو، ۲۰۱۱، داکوسکا^۱، ۲۰۱۴، داکوسکا و پلتولا، ۲۰۰۶) - مباحثت مالی و بودجه‌ای دانشگاه‌ها اهمیتی روزافزون یافته است. میزان نقش دانشگاه در تعیین حقوق و دستمزد اعضای هیئت‌علمی یکی از مواردی است که در حکمرانی شبه تجاری مدنظر بوده است، در حالی که در آموزش عالی ایران این مسئله به گونه‌های متمرکز در اختیار بخش‌های فرا دانشگاهی و فرا بخشی است؛ بنابراین در جهت کاربست هر چه کاراتر اندیشه‌های حکمرانی شبه تجاری دانشگاه، لازم است تا واگذاری اختیارات در این گونه موارد، بر عهده دانشگاه‌ها گذاشته شود.

طبق یافته‌های پژوهش، در رویکرد کنونی حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران توجه اندکی به استانداردهای گزارشگری مالی می‌شود، رویکرد دانشگاه باید در جهتی هدایت شود که سازوکار گزارشگری و ممیزی مالی، همنوایی بیشتری با حکمرانی شبه تجاری داشته باشد، همچنان که بر اساس تجرب پژوهشی محقق، هنوز دانشگاه-

^۱. Dakowska

های ایران قادر (راغب) به ارائه گزارش‌های تفصیلی مالی سالیانه، آن‌چنان‌که بسیاری از دانشگاه‌های پیشرو، به تهیه آن مبادرت می‌کنند، نیستند و بعضًا به مواردی کلی و مبهم اشاره می‌کنند که نمی‌تواند چندان مستند و کاربردی باشد؛ بنابراین ترغیب دانشگاه‌ها در جهت استانداردهای گزارشگری و ممیزی مالی می‌تواند تا حدود زیادی همگرانی رویکرد حکمرانی دانشگاه‌ها را با خواسته‌های شبه‌تجاری در پی داشته باشد.

در بعد علمی حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری، در برخی موارد دانشگاه‌ها توanstه‌اند استانداردها و شاخص‌های این نوع حکمرانی را رعایت نمایند به عنوان مثال در زمینه تعریف دوره‌های تحصیلی جدید و ملغاً نمودن دوره‌های قبل، دانشگاه‌ها تا حدودی از اختیار برخوردارند و می‌توانند با ارائه برنامه و درخواست به تغییر دوره‌های تحصیلی اقدام نمایند که این مسئله می‌تواند در جهت هم‌راستایی با تغییرات جامعه و بازار کارف که یکی از ضروریات گزینش رویکرد حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری است، عامل مهمی باشد. از سویی دیگر دانشگاه‌ها در زمینه تغییر برنامه‌های درسی دوره‌های مختلف تحصیلی نیز در سال‌های اخیر و همگام با مباحث تجاري‌سازی دانشگاه، تصمیم‌گیرنده و دارای اختیار شده‌اند، هرچند که درصد این اختیار بر مبنای واحدهای درسی بعضًا از حدود سی درصد تجاوز نمی‌کند، ولی همین میزان نیز نشان از تغییرات در حکمرانی دانشگاهی و در جهت تأثیرپذیری از متغیرهای بیرونی دانشگاه است که اتفاقی مثبت در تغییر رویکرد کنونی حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران بوده است.

در زمینه جهت‌گیری فرایند تدریس و پژوهش در دانشگاه‌ها نیز، باید گفت با توجه به نظرات مشارکت‌کنندگان پژوهش، هنوز اتفاقاً قابل توجهی بین تدریس و پژوهش با خواست‌ها و نیازهای محیطی شکل نگرفته است و نیاز به بازندهشی در این محور، به جد احساس می‌شود، چراکه هرگونه جهت‌گیری شبه‌تجاری دانشگاه مستلزم بررسی نیازهای محیطی است تا کارکردهای دانشگاهی چندان فارغ از نیازهای بازار کار و جامعه نباشد.

در بعد سازمانی حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران نیز می‌توان مواردی را بر اساس یافته‌های پژوهش، حائز اهمیت دانست به عنوان مثال انتخاب مدیران سطوح بالای دانشگاه چندان توافقی با نوع حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری و بازار گرا ندارد و بیشتر جنبه انتصابی دارند درحالی که با توجه به مستندات پژوهش حاضر در رویکرد حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری، گزینش این مدیران علاوه بر انتخابی بودن، دیگر ذی‌نفعان دانشگاهی را نیز درگیر در این فرایند می‌داند و به آرای آن‌ها نیز توجه می‌شود. همچنین مادامی که دانشگاه رویکرد حکمرانی شبه‌تجاری را مدنظر داشته باشد، شایستگی‌های مدیران دانشگاهی را نیز، در زمینه مهارت، دانش و نگرش در راستای برخورداری هر چه بیشتر در زمینه تحقق بهینه فرایند تجاري‌سازی دانشگاه، تعریف می‌کند (رك: امین مظفری و دیگران، ۱۳۹۰).

به طور کل با توجه به مباحثی که گذشت و نتایج و یافته‌های پژوهش کنونی، می‌توان اذعان نمود که دانشگاه‌ها در جهت انطباق محیطی و استمرار حیات، در راستای گرینش رویکردهایی نوین از حکمرانی دانشگاهی، همچون حکمرانی شبه تجاری و بازار گرا و گونه‌های نوین از این نوع حکمرانی مانند حکمرانی شرکتی و کارآفرینانه حرکت نموده‌اند (رد: دیل^۱، ۲۰۰۳، دابیتز، ۲۰۱۷، موک و هان، ۲۰۱۷، موک، ۲۰۱۰، لو و تانگ، ۲۰۱۷، لورنر^۲، ۲۰۱۲، مک-لندن و دیگران^۳، ۲۰۰۷، تایلر^۴، ۲۰۱۳، ویلر^۵، ۲۰۰۰، ارکیلا^۶، ۲۰۱۴، سام و سیچ، ۲۰۱۴). بدون شک دانشگاه‌های ایران نیز، مستثنی از مواجهه با چالش‌های محیطی و انطباق با تغییرات فزاینده آن نیستند و باید بر تناسبات ساختاری خود در زمینه موفقیت، بقا و استمرار فعالیتی، شتاب بیشتری به سازگاری خود با محیط متلاطم درونی و بیرونی خود بدهند.

آنچنان‌که از نتایج پژوهش حاضر بر می‌آید رویکرد کنونی حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران چندان قربتی با خواسته‌هایی که در زمینه‌های شبه تجاری برای دانشگاه و بخش آموزش عالی مطرح می‌شود، ندارد و گاه منجر به ابهامات و تضادهایی در فهم نقش دانشگاه توسط دست‌اندرکاران این بخش شده است. به نظر می‌رسد به‌منظور تسهیل تحرک دانشگاه در جهت اتخاذ رویکردهای شبه تجاری، نهادینه‌سازی شاخص‌های این نوع حکمرانی، در بخش‌ها و زیربخش‌های نظام آموزش عالی ایران، موردنیاز است. در این راستا می‌توان راهکارهایی سیاستی زیر را مدنظر قرارداد.

- ✓ تدوین سیاست‌های بخشی و فرا بخشی به‌منظور ترغیب و الزام دانشگاه‌ها به ارائه گزارش‌های مالی منسجم، مفصل و بهروز؛
- ✓ تدوین سیاست‌های بخشی و فرا بخشی در جهت جلب مشارکت فعال ذی‌نفعان آموزش عالی اعم از بخش صنعت، خدمات و کشاورزی، به‌منظور سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در آموزش عالی؛
- ✓ توسعه سیستم‌های ارتباطی تعاملی نزد سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان آموزش عالی به‌منظور چابک سازی در انطباق با تحولات محیطی؛

¹. Dill

². Lorenz

³. McLendon

⁴. Taylor

⁵. Weiler

⁶. Erkkilä

- ✓ شناسایی موانع بازدارنده در کارکرد بهینه نهادهای تسهیل کننده حکمرانی شبه تجاری دانشگاه از جمله پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد دانشگاهی و ...؛
- ✓ ارائه سازوکاری در جهت حمایت از پیگیری پژوهش‌های تقاضا محور توسط اجتماع دانشگاهیان.

منابع

- فراتستخواه، مقصود (۱۳۹۲). نقد مدل سیاست‌گذاری در آموزش عالی ایران، گزارش نشست کرسی نقد اجتماعی آموزش عالی. انجمن جامعه‌شناسی ایران.
 - امیری فرح‌آبادی، جعفر؛ ابوالقاسمی، محمود؛ و قهرمانی، محمد (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی فرایند سیاست پژوهی در نظام آموزش عالی ایران؛ مطالعه‌ای کیفی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۸(۴)، ۱۳۹-۱۷۱.
 - امین مظفری، فاروق؛ پاداشی اصل، خورشید؛ شمسی، لقمان؛ و بودافقی، علی (۱۳۹۰). بررسی نقش و جایگاه میان‌رشته‌ای در رابطه دانشگاه و صنعت. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۴(۱)، ۲۵-۴۰.
-
- Agasisti, T. & Catalano, G. (2006). Governance models of university systems—towards quasi-markets? Tendencies and perspectives: A European comparison. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 28(3), 245-262.
 - Aghion, P. Dewatripont, M. Hoxby, C. Mas-Colell, A. & Sapir, A. (2010). The governance and performance of universities: evidence from Europe and the US. *Economic Policy*, 25(61), 7-59.
 - Akhtar, M. M. S. & Kalsoom, T. (2012). Issues of Universities' Governance in Pakistan. *Journal of Elementary Education*, 22(2), 81-94.
 - Apkarian, J. Mulligan, K. Rotondi, M. B. & Brint, S. (2014). Who governs? Academic decision-making in US four-year colleges and universities, 2000–2012. *Tertiary Education and Management*, 20(2), 151-164.
 - Bleiklie, I. Frølich, N. & Michelsen, S. (2013). Structuring perceptions of governance: Transforming Universities in Europe. In ECPR general conference—Bourdeaux, 5th–7th September.
 - Bradshaw, P. & Fredette, C. (2009). Academic governance of universities: Reflections of a senate chair on moving from theory to practice and back. *Journal of Management Inquiry*, 18(2), 123-133.
 - Broucker, B. De Wit, K. & Leisyte, L. (2015). New public management or new public governance for the higher education sector? An international comparison.

- Capano, G. (2011). Government continues to do its job. A comparative study of governance shifts in the higher education sector. *Public Administration*, 89(4), 1622-1642.
- Carnegie, G. D. & Tuck, J. (2010). Understanding the ABC of university governance. *Australian Journal of Public Administration*, 69(4), 431-441.
- Christensen, T. (2011). University governance reforms: potential problems of more autonomy? *Higher Education*, 62(4), 503-517.
- Creswell, J. W. & Miller, D. L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into practice*, 39(3), 124-130.
- Dakowska, D. (2015). Between competition imperative and Europeanisation: the case of Higher Education reform in Poland. *Higher Education*, 69(1), 129-141.
- Dao, K. V. (2015). Key challenges in the reform of governance, quality assurance, and finance in Vietnamese higher education—a case study. *Studies in higher education*, 40(5), 745-760.
- De Boer, H. F. Enders, J. & Leisyte, L. (2007). Public sector reform in Dutch higher education: The organizational transformation of the university. *Public Administration*, 85(1), 27-46.
- Delanty, G. (2002). The governance of universities: What is the role of the university in the knowledge society? *The Canadian Journal of Sociology/Cahiers canadiens de sociologie*, 27(2), 185-198.
- Dill, D. D. (2003). Allowing the market to rule: The case of the United States. *Higher Education Quarterly*, 57(2), 136-157.
- Diogo, S. (2015). Same challenges, different processes: perceptions on governance changes in Portuguese and Finnish higher education. *European Journal of Higher Education*, 5(2), 211-225.
- Dobbins, M. (2017). Convergent or divergent Europeanization? An analysis of higher education governance reforms in France and Italy. *International Review of Administrative Sciences*, 83(1), 177-199.
- Dobbins, M. (2017). Exploring higher education governance in Poland and Romania: Re-convergence after divergence? *European Educational Research Journal*, 1474904116684138.
- Dobbins, M. & Knill, C. (2009). Higher education policies in Central and Eastern Europe: convergence toward a common model? *Governance*, 22(3), 397-430.
- Dobbins, M. & Leišyte, L. (2014). Analysing the transformation of higher education governance in Bulgaria and Lithuania. *Public management review*, 16(7), 987-1010.

- Dobbins, M. Knill, C. & Vögtle, E. M. (2011). An analytical framework for the cross-country comparison of higher education governance. *Higher Education*, 62(5), 665-683.
- Donina, D. Meoli, M. & Paleari, S. (2015). Higher education reform in Italy: Tightening regulation instead of steering at a distance. *Higher Education Policy*, 28(2), 215-234.
- Enders, J. (2004). Higher education, internationalisation, and the nation-state: Recent developments and challenges to governance theory. *Higher education*, 47(3), 361-382.
- Erkkilä, T. (2014). Global university rankings, transnational policy discourse and higher education in Europe. *European Journal of Education*, 49(1), 91-101.
- Ferlie, E. Musselin, C. & Andresani, G. (2008). The steering of higher education systems: A public management perspective. *Higher education*, 56(3), 325.
- Ferlie, E. Musselin, C. & Andresani, G. (2008). The steering of higher education systems: A public management perspective. *Higher education*, 56(3), 325.
- Fielden, J. (2008). Global trends in university governance. *Education working paper series*, 9, 278200-1099079877269.
- Häyrynen-Alestalo, M. & Peltola, U. (2006). The problem of a market-oriented university. *Higher Education*, 52(2), 251-281.
- Knott, J. H. & Payne, A. A. (2004). The impact of state governance structures on management and performance of public organizations: A study of higher education institutions. *Journal of Policy Analysis and Management*, 23(1), 13-30.
- Lo, W. Y. W. & Tang, H. H. H. (2017). Dancing with global trends: higher education policy and university governance in Hong Kong, 1997–2012. *Journal of Educational Administration and History*, 49(1), 53-71.
- Lorenz, C. (2012). If you're so smart, why are you under surveillance? Universities, neoliberalism, and new public management. *Critical inquiry*, 38(3), 599-629.
- McLendon, M. K. Deaton, R. & Hearn, J. C. (2007). The enactment of reforms in state governance of higher education: Testing the political instability hypothesis. *The Journal of Higher Education*, 78(6), 645-675.
- Mok, K. H. (2005). Globalization and educational restructuring: University merging and changing governance in China. *Higher education*, 50(1), 57-88.
- Mok, K. H. (2009). The growing importance of the privateness in education: Challenges for higher education governance in China. *Compare*, 39(1), 35-49.

- Mok, K. H. (2010). When state centralism meets neo-liberalism: managing university governance change in Singapore and Malaysia. *Higher Education*, 60(4), 419-440.
- Mok, K. H. & Han, X. (2017). Higher education governance and policy in China: managing decentralization and transnationalism. *Policy and Society*, 36(1), 34-48.
- Ng, S. W. (2012). Rethinking the mission of internationalization of higher education in the Asia-Pacific region. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 42(3), 439-459.
- Nisar, M. A. (2015). Higher education governance and performance based funding as an ecology of games. *Higher Education*, 69(2), 289-302.
- Nybom, T. (2003). The Humboldt legacy: reflections on the past, present, and future of the European university. *Higher Education Policy*, 16(2), 141-159.
- Pallas, J. & Wedlin, L. (2013). Governance of science in mediatized society: Media rankings and the translation of global governance models for universities.
- Quyên, Đ. T. N. (2014). Developing university governance indicators and their weighting system using a modified Delphi method. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 141, 828-833.
- Ross, F. & Woodfield, S. (2017). Mutuality, metaphor and micropolitics in collaborative governance: a joint venture in UK Higher Education. *Higher Education Quarterly*, 71(1), 33-52.
- Rowlands, J. (2013). Academic boards: less intellectual and more academic capital in higher education governance? *Studies in Higher Education*, 38(9), 1274-1289.
- Sam, C. & Van Der Sijde, P. (2014). Understanding the concept of the entrepreneurial university from the perspective of higher education models. *Higher Education*, 68(6), 891-908.
- Santiago, R. Carvalho, T. & Cardoso, S. (2015). Portuguese academics' perceptions of higher education institutions' governance and management: a generational perspective. *Studies in Higher Education*, 40(8), 1471-1484.
- Shattock, M. (2002). Re-balancing modern concepts of university governance. *Higher Education Quarterly*, 56(3), 235-244.
- Susanti, D. (2011). Privatisation and marketisation of higher education in Indonesia: the challenge for equal access and academic values. *Higher Education*, 61(2), 209-218.
- Taylor, M. (2013). Shared governance in the modern university. *Higher Education Quarterly*, 67(1), 80-94.

- Trakman, L. (2008). Modelling university governance. *Higher Education Quarterly*, 62(1-2), 63-83.
- Weiler, H. N. (2000). States, markets and university funding: New paradigms for the reform of higher education in Europe. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 30(3), 333-339.
- Yonezawa, A. & Shimmi, Y. (2015). Transformation of university governance through internationalization: Challenges for top universities and government policies in Japan. *Higher Education*, 70(2), 173-186.